گفت‌وگو با حسین فردرو، برنامه‌ساز قدیمی

آقای تلویزیون، لطفا از مدیران خود بپرسید چقدر بیننده دارند

حسین فردرو از برنامه‌سازان قدیمی صداوسیما که به گفته خودش طی این سال‌ها ۴۲۰ برنامه تلویزیونی، از او در میراث سیما به عنوان کارگردان و تهیه‌کننده ثبت شده است، حالا می‌گوید: «دیگر امید و انتظاری از صداوسیما ندارد که برنامه‌ای برای رضایت، نشاط و پربیننده کردن خودش ارائه کند.» او تصریح می‌کند: «همیشه طرح‌های متنوع و مورد علاقه مردم را به سازمان صداوسیما ارائه کرده‌ام اما چند سال است که درست در زمان تصویب و حتی اجرا، همه چیز برهم می‌خورد.»

روع کارش در تلویزیون در دهه ۶۰ بوده است. «محله بروبیا»، «محله بهداشت» و «قبیله جهانی»، سریال «شاه شکار»، مجموعه نمایشی «طنزآوران جهان» از شاخص‌ترین آثار تلویزیونی این برنامه ساز پیشکسوت است. فردرو همچنین کارگردانی سریال‌هایی نظیر «علاالدین»، «نوروز ۷۳» و «خیرالله صندوقچه اسرار» و مسابقات تلویزیونی «تلاش»، «ستاره‌ها»، «۱۰۱» و ... را در کارنامه دارد. این برنامه‌ساز پیشکسوت صداوسیما در گفت‌وگویی با ایسنا شرکت کرد و از برنامه‌های ماندگارش در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، علت کم شدن مخاطبان تلویزیون و برنامه سازی در مناسبت‌هایی مثل اعیاد و اهمیت به شادی مردم سخن گفت.

دیگر نمی‌شود اعتماد برنامه سازان کنارگذاشته شده را جلب کرد

فردرو ابتدا در پاسخ به اینکه اکنون برای تلویزیون مشغول ساخت برنامه‌ای هستید؟ خاطرنشان می‌کند: طی یک سال گذشته سه الی چهار طرح تلویزیونی ارائه داده‌ام اما درست وقتی به مرحله آغاز می‌رسد به دلایل نامعلومی انجام نمی‌شود. به نظرم لیست سیاهی وجود دارد و من هم عضو آن شده ام. این اتفاق نماد امنیتی ندارد؛ بلکه عده ای فرصت طلب و غیرمتخصص که محدودیت‌های متفاوت حاکم بر وضعیت سیما را بخاطر توجیه حضور خودشان مرتبا دامن می‌زنند، از رقابت با عوامل ورزیده، جوان یا باتجربه عاجز هستند ولی بر طبل محدودیت‌ها آنقدر می‌کوبند تا افرادی را هم که در لیست سیاهشان نیست، پشیمان از حضور و همکاری در سیما کنند و خودشان بدون توجه به میزان رضایت بیننده کارهایی کم رمق تولید کرده و خلاصه دور هم ارتزاق می‌کنند و مرتبا خدا را شکر می‌کنند. صداوسیما ماهیانه حدود ۵۰ هزار خانواده را نان می‌دهد ولی نمی‌تواند از مدیران خود چند برنامه موفق تقاضا کند؛ زیرا همواره محدودیت‌های سیما را به رخ یکدیگر کشیده و به دنبال کارهای نمایشی هستند که بازتاب تاریخی آن انگیزه نداده بلکه بیننده را افسرده می‌کند. وی به صحبت‌هایش اینگونه ادامه می‌دهد: در شرایطی که معاونت تازه نفس و تحصیلکرده این رشته در رأس سیما قرار گرفته است، دیگر نمی‌شود اعتماد برنامه سازان کنار گذاشته شده را به راحتی جلب کرد و فکر نکنم تلاشی هم شده باشد.

همیشه چهارچوب‌ها را رعایت می‌کردم

او در عین حال تاکید می‌کند: همیشه جزو کارگردانانی بودم که همه چهارچوب‌ها را رعایت می‌کردم و از دهه ۶۰ درست زمان دفاع مقدس با تلویزیون همکاری داشتم. اکنون ۴۰ سال است از همان ابتدای جوانی که در دانشکده صداوسیما نیز تدریس می‌کنم ولی دیگر ناراحت نیستم که در زمره کنارگذاشته‌ها هستم؛ در طول پنج سال، هفت پروژه مرا در مراحل مختلف کنسل کردند. اخیرا این وضعیت با آمدن سازمان ساترا به محیط تولیدات نمایش خانگی هم تسری پیدا کرد. طرح یک سریال بی نظیر در یک پلتفرم را ارائه کردم که دکورش هم در کانون پرورش فکری کودکان ساختم و برنامه کاملاً جدید و به روزی بود، دقیقاً در روز ضبط، برنامه را تعطیل کردند و دلیلش را نمی‌دانم.

فردرو یادآور می‌شود: تئاتر و مسابقه‌های تلویزیونی زیادی کار کرده ام. در این سال‌ها در همه زمینه‌ها همکاری داشتم. ورزشی، سیاسی، هنری، فرهنگی و ... همه نوع قالب را تجربه کردم. زمانی بود تمام جشن‌ها و مسابقات تلویزیون را بسیار پربیننده می‌چیدیم. یادم هست آن زمان مسابقه بزرگ را در شروع فعالیت شبکه تهران و الو مسابقه برای شبکه یک با معرفی چند هنرمند و مجری جدید به تلویزیون معرفی کردیم و بعدها برای دهه‌های فجر، نوروز و دیگر اعیاد جنگ‌های زیادی می‌ساختیم. ما تمام تلاشمان ساخت برنامه‌های قابل قبول برای تلویزیون بود که مورد توجه مردم قرار بگیرد.

این برنامه ساز قدیمی سپس به ویژگی‌های تلویزیونی که سال‌ها پیش برای مردم جذابیت داشت اشاره می‌کند و می‌گوید: تلویزیون، در اصل مستعد تماشای عمومی و ملی مردم با یکدیگر است. روزی که تلویزیون اختراع شد دستگاه ضبط نداشت و همه چیز پخش مستقیم انجام می‌شد و در تمام دنیا اینطور بود نه فقط در ایران. تلویزیون آن زمان در لحظه اتفاقات را می‌دید و همان زیبا بود چون سوژه‌ها هیچ وقت بیات نمی‌شدند. دقیقا مثل مسابقات فوتبال که همیشه جذابیت داشتند. به نظرم اصل ویژگی تلویزیون به زنده بودنش است و بقیه چیزها مزه کار است؛ مثل سریال‌ها که تمرکز بر ملی گرایی دارند. اما افسوس که عده ای سیما را از ساخت برنامه‌های جُنگ و جشن زنده احتراز داده و مسئولیت لطمه ای که به سیما می‌زنند را هم نمی‌پذیرند.

از خیابان‌ها می‌فهمیدیم چقدر بیننده داریم

فردرو سپس به جذابیت‌های برنامه‌های زنده اشاره و اظهار می‌کند: در برنامه‌های زنده همیشه اتفاقات غیرمترقبه نتیجه کار را جذاب‌تر می‌کند. ما سالها پیش در ایران مخاطبان توده ای داشتیم؛ یعنی وقتی برنامه‌هایمان شب‌ها پخش می‌شد، از پنجره خانه که نگاه می‌کردیم به راحتی می‌توانستیم متوجه شویم که چقدر بیننده داریم. می‌دانستیم مردم چه برنامه‌هایی را نگاه می‌کنند بنابراین آمار مردم را داشتیم اما به مرور اتفاقات دیگری افتاد.

تلویزیون کم بیننده شده و این حرف نادرستی است که می‌گویند تعداد زیاد شبکه‌ها موجب کم شدن بیننده‌ها شده است. جناب آقای برمهانی، لطفا از مدیران خود بپرسید که برنامه برند هر شبکه کدام است و بهترین برنامه آنها چند بیننده دارد؟ وی که تهیه کنندگی و کارگردانی بسیاری از جشنواره و جشن‌های سینمایی و تلویزیونی را عهده دار بوده، بر این باور است: شادی و اجرای برنامه‌های هنری در قالب‌های متنوع از بایدهای تلویزیون است ولی در ایام بزرگترین جشن کشورهای اسلامی، سیما از راضی کردن قاطبه مخاطبانش متاسفانه ناتوان است. چرا؟ اول به خاطر بدسلیقگی در ارائه پوشش حضار داخل جشن و اصرار به پوشش‌های خاص و یکسان افراد و دوم نشان ندادن نوازنده و ساز.

قبلا یکی از عوامل موفقیت، توجه به جنگ، شو و موسیقی در اعیاد بود

فردرو به این پرسش که راه محبوبیت و پربیننده کردن تلویزیون چیست؟ چنین پاسخ داد: به نظرم قبلا یکی از عوامل مهم موفقیت کارها، توجه به جنگ، شو و موسیقی بود که مخصوصا در اعیاد سیما بدون محدودیت عمل می‌کرد. موسیقی از همه لحاظ به جمهوری اسلامی خدمت کرد و در سرودها نقش مهمی داشت. به عنوان مثال همین امسال یعنی در سال ۱۴۰۱، دو موسیقی، مردم را به سمت احساسات خاص برد. نخست موسیقی «سلام فرمانده» و دیگری «برای». بنابراین موسیقی همیشه نقش داشته اما عده ای انسان کج سلیقه به عناوین مختلف موسیقی را از تلویزیون گرفتند.

او تصریح می‌کند: آخرین جشنواره جام جم صداوسیما را یادتان هست که موجب خجالت تلویزیون شد؟ آن دوره آقای زندوکیلی را دعوت کرده بودند تا اجرا داشته باشد و مجری برنامه اعلام کرد که ایشان می‌خواهد با گروه ارکستر محلی و پاپش اجرا داشته باشند. تمام سالن پر بود از هنرمندان، کارگردانان، مدیران و برنامه سازان که در اقدامی پرسش برانگیز گروه ارکستر را به پشت پرده بردند و آقای زندوکیلی مقابل پرده ایستاد و اجرا کرد. مدیر اختتامیه علاقمند به حفظ صندلی و کارگردان بله قربان گو، این فاجعه را رقم زدند. می‌توانستند تمهیداتی که مایه آبروریزی نشود انجام دهند اما کار مفیدی انجام ندادند.

این برنامه ساز پیشکسوت پیرو همین بحث در پاسخ به اینکه با این حال فکر می‌کنید تلویزیون بتواند به دوران طلایی اش برگردد؟

چنین اظهار می‌کند: بله. صد درصد. مسئولان تلویزیون باید بخواهند که بشود. تلویزیون متاسفانه کسل کننده و تکراری شده است. ما باید گروهی داشته باشیم که به ماهیت تلویزیون فکر کنند. به عنوان مثال درباره همین ممنوعیت نمایش موسیقی و ساز، چرا درباره همین موضوع نباید در تلویزیون بحث کنیم و توضیح بدهیم؟ هم مردم متوجه می‌شوند و هم کار پربیننده انجام داده ایم و از این قبیل.

گفتند برنامه را تعطیل کنید چون مردم شاد شدند!

حسین فردرو در بخش پایانی صحبت‌هایش به خاطره‌ای قدیمی از یک برنامه تلویزیونی اشاره می‌کند و می‌گوید: با برادرم آقای محسن فردرو برنامه‌ای با عنوان جمعه‌ها با شبکه دو را داشتیم که برنامه پرتحول و پر بیننده‌ای بود و من خیلی دوستش داشتم. بعدها در دهه ۸۰ برنامه‌هایی نظیر «جنگ چرتکه» و «جنگ برای هم» را داشتیم. ما در برنامه واحد سیار داشتیم و مردم هم حضور پیدا می‌کردند. به قدری از آن برنامه استقبال شد که حد و حساب نداشت.

ما در پارک قیطریه برای اعیاد برنامه ای اجرا می‌کردیم که زنده یاد محمود جهان را هم دعوت کرده بودیم که ناگهان به ما گفتند برنامه را تعطیل کنید چون مردم در حال شادی و پایکوبی هستند! برنامه ما به خاطر شادی مردم تعطیل شد و جالب است وقتی وسایلمان را جمع کردیم و در مسیر برگشت بودیم، مردم همچنان با همان موسیقی‌های محلی در حال شادی بودند.

بررسی وضعیت موسیقی در تاریخ ایران‌زمین

یورش مغول به ایران موسیقی را به قهقرا برد

در نخستین نشست پژوهشی از جشنواره موسیقی فجر، وضعیت موسیقی ایران‌زمین در برهه‌های مختلف تاریخ مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش سی و هشتمین جشنواره موسیقی فجر، نخستین نشست پژوهشی سی و هشتمین جشنواره موسیقی فجر، شامگاه ۲۸ بهمن‌ماه به میزبانی رادیو گفتگو برگزار شد.

نخستین نشست پژوهشی با حضور محسن رفیعی (دبیر این بخش) به موضوع «تطبیق تحلیلی ادوار تاریخی در موسیقی ایران بعد از اسلام» اختصاص داشت و در این برنامه وضعیت موسیقی ایران‌زمین در برهه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت.

دبیر پخش پژوهشی در سخنانی گفت: پس از یورش مغولان به ایران، سیری قهقرایی، دامنگیر تمامی عرصه‌های علمی کشور، از جمله موسیقی شد. گرداب این قهقرا، در ادوار سلطنت صفویان است. از مشعل فروزان موسیقی ایران زمین، بیش از شعله‌ی لرزانِ شمعی رنجور بر جای نمانده بود. شمعِ نیم مرده‌ی موسیقی ایران زمین که با وَزشِ نسیمِ نازکی جان می‌داد، با طوفانِ دمنده‌ی صفویان، خاموش شد و چشمه‌ی کم‌رمق الحان اقوام که با خاک واره‌ی ناچیزی می‌خشکید، با شنْ بادِ توفنده‌ی صفویان خوشید.

او ادامه داد: پس از قرن‌ها آشفتگی، با ظهور صفویان، اوضاع نابسامان سیاسی ایران زمین، به هنجار شد و قرار گرفت. پس از چند صد سال، با اهتزاز درفش سلسله‌ی صفویه، ایرانیان تحت لوای یک حکومت ایرانی، وحدت ملی خود را بازیافتند. مبرزترین ره آوردِ سر بر کردنِ صفویان، رهایی ایرانیان از قیود مذلت بارِ خلافتِ بغداد نشینان و جَستنِ از دامگه استثمار خلفای مُتفرعنِ دین گریز بود. شاهان صفوی، تکه‌های خاک صد پاره، اما نَگسَسته‌ی ایران زمین، که شرحه شرحه‌ی تازش تتاران و خوانش خلیفگان بود را به هم بند زده و بعد از قرونی متمادی، زنگار از نام ایران یکپارچه زدودند. رفیعی معتقد است: ایران به عنوان کشوری شیعه نشین، همواره در تقابلی بارز با دستگاه مستبد خلافت و حکومت‌هایی بود که به نام خلیفه خُطبه می‌خواندند و بر جان و مال ایرانیان می‌تاختند. برافراشتن پرچم تشیع و رسمیت بخشیدن به مذهب قاطبه‌ی ایرانیان، موجبات تبدیل کشور به پایگاهی متحد و یک دست در برابر حکومت‌هایی که چشم طمع بر این خاک داشتند را فراهم آورد.

وی افزود: به جهت اهتزاز قدرتمند درفش مذهب، که موجب قوام وحدت ملی و ضامنِ اقتدارِ صفویان بود، شاهان صفوی، روحانیون و علمای شیعه را برکشیده و بالاترین جایگاه در دربار را پس از خویش، به ایشان اختصاص دادند. به سبب گسست روند تعالی موسیقی در ایران زمین، شاکله‌ی موسیقی رایج در آغاز پیدایش صفویان، بیشتر، برآیندی از مجالس عشرت شاهزادگان تیموری بود که وجهی رامشگرانه و بزمی داشت. علما و مجتهدین دربار صفوی، موسیقی و عرفان را نافی مذهب تشخیص دادند. چه اینکه اشتهار و موقعیت صفویه به سبب پیشینه‌ی عرفانی این سلسله است.

این پژوهشگر همچنین گفت: قدرت شاه اسماعیل، بنیان گذار سلسله‌ی صفویه، برآیند هم شانگی صوفیان و طوایف همگرا با طریقت ایشان بود. شاه اسماعیل، هم آهنگی و محور اشتراک هواخواهان صفویه را، پیوستن به مذهب تشیع تعریف کرد؛ و در این رهگذار، فقیهان و عالمان، به وجیه‌ترین پایه و عظیم‌ترین جایگاه برکشیده شدند. مخالفت علما با موسیقی طرب گون، که ماتَرکِ دوره‌ی تیموریان و رایج‌ترین نوع موسیقیِ آن دوران بود، زمینه‌ی مطرود گشتن کُلیت موسیقی و تمامی وجوه آن در دربار صفویان و بالطبع در میان عامه‌ی مردم را فراهم آورد. پیش از پا گرفتن ساختارهای سیاسی و اجتماعی نوین، همواره دربار پادشاهان و بارگاه سلاطین و آستانه‌ی حکام، کانون اجتماع هنرسازان و مرکز ثقل شعرا و ادیبان بوده است.

او ادامه داد: غیر از شاه عباس اوّل، تمامی پادشاهان سلسله‌ی صفویه با موسیقی و شعر به شدت مخالفت ورزیده و خرده شراره‌های به جا مانده از موسیقی ملی را هم منکوب و مخذول کردند. پس از سرخوردگی شعرا و موسیقیدانان از دربار شاهان صفوی و خِفّت جایگاه و منزلت ایشان در نظرگاه عوام، گروه گروه از این هنرمندان، جلای وطن کرده و به مهاجرتی ناخواسته به اقلیم حکومت‌های هم جوار، خاصه دربار گورکانیان هندوستان، تن دادند.

رفیعی در بخش دیگری از سخنانش درباره وضعیت موسیقی در زمان خلافت شاه عباس اول توضیح داد: شاه عباس اول، خَلافِ دیگر سلاطین صفوی، مشتاق شنیدنِ الحان و پذیرای موسیقیدانان بود. چه اینکه شاه عباس صفوی، در خصیصه‌ای اخلاقی، جمع ضدین بود. معجونی از گذشت و ملایمت و بخشندگی و ذوق، با ملقمه‌ای از لئامت و خشونت و قساوت و ستمکاری، در نهاد این سلطان صفوی تجمیع گشته بود. شاه عباس، تمامی دشمنان ایران را در هم کوبید و امنیت در کشور را که متزلزل بود، استوار ساخت. به سامان شدن ایران زمین در اوان این سلطان صفوی، مورد تایید همگان است. با اقداماتی هوشمندانه و تدابیری عقل پسند، آبادانی و صنعت و هنر و تجارت در ایرانِ زمان شاه عباس، به حد اعلا رسید.

او معتقد است: موسیقی مطلوب و مصرفی شاه عباس و مریدانش، بیشتر موسیقی طرب و رامشگری بود. موسیقیدانانی که به دربار شاه عباس راه پیدا می‌کردند، بیشتر در هیاتِ مُعین العیش بودند. اکثر نغمات نواخته شده در دربار این پادشاه مقتدر صفوی، الحان خاصِ مجلس عِشرت و لَعب بود. موسیقی رایجِ در مجالسِ شاه عباس، همان الحانی است که موسیقی دانان نژاده و شریف ایرانی، همواره از آن اجتناب کرده و فقیهان دربار صفویه آن را مطرود می‌دانستند. رفیعی همچنین توضیح داد: اولین دسته‌های رسمی عزاداری برای ائمه‌ی معصومین، خاصه حضرت اباعبدالله علیه السلام، در حکومت آل بویه، شکل گرفت. آل بویه نه تنها در ولایاتی از ایران زمین که تحت تسلط ایشان بود، به عزاداری سیدالشهداء علیه السلام، رسمیت بخشیدند، بلکه، پس از شکست المستکفی بالله، خلیفه‌ی عباسی، توسط احمد (معزالدوله دیلمی)، عزاداری در بغداد و سایر بلاد اسلامی تحت حکومت آل بویه نیز رسمیت پیدا کرد. در زمان صفویه، که مذهب تشیع در سراسر ایران رسمیت یافته بود، مراسم عزاداری ماه محرم، با شکوه بیشتری برگزار می‌شد. در زمانی که موسیقی در اقل وضعیت خویش قرار داشت، استفاده‌ی مداحان و نوحه سرایان، از دستگاه و نغمات موسیقی ایرانی و استمرار این موضوع، موجبات حفظ و اشاعه‌ی موسیقی ملی را فراهم آورد.

او ادامه داد: در نمایش تعزیه هم وضع بدین منوال بود. شبیه خوانِ شخصیتِ حضرت کبری زینب سلام الله علیها، اشعارش را در گوشه‌های دستگاه شور و آواز دشتی می‌خواند. شبیه خوان شخصیتِ حضرت ابوالفضل عباس علیه السلام، ابیاتش را در گوشه‌های دستگاه چهارگاه بیان می‌کند و شبیه خوان شخصیتِ حضرت اباعبدالله علیه السلام، دستگاه نوا و راست پنج گاه را برمی‌گزینند.

مجید قناد و افتتاح نمایشی با آرزوهای محال

اجرای نمایش «هایکوی پاروزنِ یک‌دست» به نویسندگی وکارگردانی ماندانا عبقری شامگاه روز پنجشنبه بیست و هفتم بهمن ماه با حضور تعدادی از هنرمندان شناخته شده تئاتر کشورمان در کارگاه نمایش مجموعه تئاترشهر آغاز شد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی مجموعه تئاتر شهر، نمایش «هایکوی پارو زن یک دست» به نویسندگی و کارگردانی ماندناعبقری شامگاه روز پنجشنبه بیست و هفتم بهمن ماه با استقبال مخاطبان و حضور تعدادی ازهنرمندان تئاتر کشورمان از جمله مجید قناد، فریبا دلیری و ایرج افشاری در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر اجرای خود را آغاز کرد. ماندانا عبقری در مراسم افتتاحیه نمایش ضمن قدردانی از حضور موثر تماشاگران و هنرمندان در اولین اجرای نمایش «هایکوی پاروزن یک‌دست» توضیح داد: حضور جالب توجه خانواده‌ها به همراه فرزندانشان در اجرای یک اثر نمایشی نشان دهنده فرهیختگی و آگاهی پدران و مادرانی است که تماشای تئاتر را برای فرزندان عزیز خود انتخاب کرده اند. بنابراین امیدوارم بنده و گروه اجرایی شرایط را فراهم سازیم که شما بزرگواران همواره به تماشای تئاتر بیایید و ما از حضور ارزشمندتان استفاده کنیم.

مجید قناد هنرمند پیشکسوت تئاتر کشورمان هم درسخنانی کوتاه با بیان اینکه حضور در چنین اجراهایی می‌تواند انرژی بخش گروه‌های تئاتری در طول اجراهایشان باشند، از کودکان و نوجوانان حاضر در سالن خواست تا آنها نیز در مراسم رونمایی از پوستر و افتتاحیه این نمایش حضور داشته باشند.

نمایش «هایکوی پاروزن یک‌دست» به نویسندگی و کارگردانی ماندانا عبقری و عروسک گردانان: علیرضا دهقانی، ماندانا عبقری، محمدرضا لطفی، زهرا مسیب نهاوندی، فاطمه سیفی، صدف صمدی از ۲۷ بهمن تا ۲۲ اسفند ماه سال ۱۴۰۱ با مدت زمان ۴۵ دقیقه و قیمت بلیت ۵۰ هزار تومان در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

علیرضا دهقانی مشاور کارگردان و طراح صحنه، ستاره خرم زاده طراح عروسک ، رضا خضرایی طراح نور، رکسانه عبقری طراح لباس و الهه موسوی هماهنگی نور و صدا دیگر عوامل اجرایی این نمایش را تشکیل می‌دهند. خلاصه داستان نمایش «هایکوی پارو زن یک دست» آمده است: ماسافومی ناکازاکی پسرکی تنها در جریان جنگ جهانی دوم با یک موج بلند سونامی به جزیره‌ای ناشناخته برده می‌شود. در آن جزیره با یک خرچنگ و پرنده‌ای که درنای آرزوهاست، آشنا می‌شود. او تا رسیدن پدرش، پاروزن یکدست، روزهایی پرماجرا را پشت سر می‌گذارد و به مفاهیم عمیقی از خودشناسی دست پیدا می‌کند. ماسافومی زیبایی صلح و آرامش را در جزیره ای پر از عشق، به دور از مصایب دنیای پر از جنگ آدم بزرگ‌ها در کنار درنای سپید آرزوها که او را قاقا می‌نامد، کشف می‌کند. جزیره‌ای که یافتنش برای یکایک آدم‌های جهان، آرزویی است محال.

اخبار کوتاه

«حسن ناهید» درگذشت

حسن ناهید _ نوازنده پیشکسوت نی _ در سن ۷۹ سالگی درگذشت.

به گزارش خانه موسیقی، حسن ناهید، موسیقیدان و نوازنده پیشکسوت نی، شب گذشته (۲۷ بهمن) در منزل دارفانی را وداع گفت.

ناهید متولد ۱۳۲۲ بود و از ۱۰ سالگی موسیقی کار کرد. او از ۱۸ سالگی نزد حسین تهرانی آموزش دید و از شاگردان زنده‌یاد حسن کسایی ـ نوازنده مطرح نی ـ بود. این نوازنده سابقه همکاری با ارکسترهای ایرانی و خارجی را در کارنامه کاری خود داشت.

احمد ناهید، فرزند «حسن ناهید» در گفت‌وگویی با ایسنا اعلام کرد که پدر فقیدش یکشنبه ۳۰ بهمن ماه ساعت ۹:۳۰ دقیقه از مقابل تالار وحدت به سمت بهشت زهرا (س) بدرقه خواهد شد.

محمد اله‌یاری فومنی ـ مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ در پیامی درگذشت حسن ناهید را تسلیت گفت.

در متن پیام یان مقام مسوول در حوزه موسیقی آمده است:

«جامعه هنری ایران دگر بار در اندوه از دست دادن استادی یگانه اندوهناک شد . بزرگ مردی از تبار فرهنگ و هنر موسیقی و چهره ماندگاری که عمری نغمه و نی را به هم آمیخت و اینک از میان ما رفت.

استاد ناهید شخصیت تکرارنشدنی بود که سال‌ها خالصانه و عاشقانه، خدمات بی‌پایانی را به موسیقی ایران ارائه داد. بی شک نام ایشان بر تارک سپیدهٔ فرهنگ پُربار موسیقایی این سرزمین خواهد درخشید و هر زمان نام ساز نی بیاید، ناخوادآگاه یاد ایشان در ذهن تداعی خواهد شد.

درگذشت استاد بزرگ و گرانقدر موسیقی ایران، مرحوم حسن ناهید را به خانواده ایشان و جامعه موسیقی ایران تسلیت عرض کرده و برای دوستداران صدای جادویی و جاودانه « نی» ایشان، صبوری و شکیبایی آرزو می‌کنم. یاد استاد گرامی و راهشان پر رهرو باد.»

«راکل ولش» درگذشت

«راکل ولش» بازیگر آمریکایی که در دهه شصت و هفتاد با فیلم «سفر روایی» و فیلم‌های دیگر به یکی از نمادهای بزرگ گیشه و فرهنگ پاپ تبدیل شد، در سن ۸۲ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از بی‌بی‌سی، «راکل ولش» بازیگر افسانه‌ای سینما، تئاتر و تلویزیون، پس از یک بیماری مختصر در آرامش درگذشت. او در دوران حرفه‌ای خود طی بالغ بر ۵۰ سال، در بیش از ۳۰ فیلم و ۵۰ سریال تلویزیونی حضور یافت.

«ولش» کار خود را به عنوان مجری برنامه پیش بینی آب و هوا در یک ایستگاه تلویزیونی محلی در کالیفرنیا شروع کرد و سپس نقش‌های کوچکی را در سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی از جمله «راوست اباوت» با بازی «الویس پریسلی» بر عهده گرفت.

موفقیت او در سینما در اواسط دهه شصت میلادی و با فیلم‌های سینمایی چون «سفر رویایی» و «یک میلیون سال قبل از میلاد» به دست آمد و او در سال ۱۹۷۵ جایزه گلدن گلوب خود را به عنوان بهترین بازیگر زن کمدی یا موزیکال برای بازی در فیلم «سه تفنگدار» دریافت کرد.

در دهه نود میلادی، او در نقش خودش در فیلم «اسلحه برهنه: نتیجه نهایی» ظاهر شد و در دهه‌های بعد در سال ۲۰۰۱ در کمدی رمانتیک «قانونا بلوند» و در ادامه در فیلم کمدی «چگونه یک عاشق لاتین باشید» ساخته «یوجینو دربز» مقابل دوربین رفت که آخرین فیلم او نیز بود.

تکذیب شایعه تولید و نمایش فیلم ضددینی «شوالیه سیاه»

مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی کشور، در پی انتشار خبری مبنی بر تولید یک فیلم ضددینی با عنوان «شوالیه سیاه» توضیحاتی را ارائه داد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، روح‌الله سهرابی در توضیح مباحث مطرح شده در برخی از رسانه‌ها در خصوص فیلم «شوالیه سیاه» گفت: پس از بررسی خبر منتشر شده در راستای تنویر اذهان مخاطبین دغدغه‌مند و علاقمندان به سینما به اطلاع می‌رسانم فیلم ویدیویی «شوالیه سیاه» به کارگردانی آقای آل ابراهیم دهکردی در خردادماه ۱۴۰۰ پروانه ساخت گرفته و پس از تولید در شهریورماه ۱۴۰۱ موفق به اخذ پروانه نمایش ویدیویی از شورای فیلم‌های ویدیویی شده است.

وی افزود: این اثر پیش از این به تایید اعضای شورا رسیده و هیچ‌گونه مغایرتی با اصول و ارزش‌های دینی ندارد و آنچه در اخبار مطرح شده، صرفا یک اشتباه بوده و تکرار مداوم آن ناشی از شیطنت رسانه‌ای است.

مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی عنوان کرد: به نظر می‌رسد با توجه به برگزاری آبرومند و باشکوه جشنواره فیلم فجر برخی افراد یا رسانه‌ها که از همان ابتدا در صدد حاشیه سازی برای سینمای ایران بوده‌اند، به زعم خود بهانه‌ای برای رسیدن به اهداف خود را به‌دست آورده تا با ترغیب برخی رسانه‌های دغدغه‌مند و دلسوز، جریان رسانه‌ای را با خود همراه کنند که تعداد محدودی از این رسانه‌ها هم متاسفانه بدون تحقیق و راستی‌آزمایی اقدام به بازنشر و یا قضاوت درباره مطلب منتشر شده کرده‌اند.

وی تاکید کرد: بنده اطمینان می‌دهم چنین فیلمی تولید نشده و بررسی‌های ما نشان می‌دهد اساسا فیلمی با این مضمون از سازمان سینمایی مجوز نگرفته است. فیلم مورد بحث همان فیلم ویدیویی شوالیه سیاه است که کاملا متفاوت و مغایر با ادعاهای مطرح شده است.

آغاز انتشار سریالی جدید با بازی محسن تنابنده و هوتن شکیبا

اولین قسمت از سریال «رهایم کن»، جمعه ۲۸ بهمن ماه، در شبکه نمایش خانگی منتشر شد.

به گزارش ایسنا ، مجموعه عاشقانه «رهایم کن» به کارگردانی شهرام شاه حسینی و تهیه‌کنندگی مجید مولایی تولید شده است.

در تازه‌ترین مجموعه کارگردان سریال «می‌خواهم زنده بمانم»، بازیگرانی چون محسن تنابنده، هوتن شکیبا، هدی زین‌العابدین، مهدی حسینی‌نیا، بابک کریمی، مونا احمدی، مائده طهماسبی، شهرام قائدی، رابعه مدنی و همچنین آزاده صمدی، حسن معجونی، یوسف تیموری و سام نوری به ایفای نقش پرداخته‌اند.

داستان «رهایم کن» را سینا شفیعی و سجاد ابوالحسنی به سرپرستی مجید مولایی، به نگارش درآورده‌اند و در خلاصه داستان این سریال آمده است: «هاتف» و «حاتم» دو برادر از یک خانواده سرشناس ساکن سیاهرود هستند. حاتم پسر ارشد خانواده دلداده پرستار بچه‌اش، «مارال» است. در حالی که هنوز ابهامات زیادی در رابطه با سرنوشت زن سابقش در میان اهالی سیاهرود وجود دارد. مارال می‌فهمد جان برادرش در خطر است. حاتم در پی کمک به مارال و پیگیری ماجرا متوجه می‌شود داستان برادر او به برادر کوچک خودش‌هاتف که چند سالی است به تهران مهاجرت کرده، گره خورده است. با بازگشت‌هاتف به سیاهرود، دو برادر درگیر موقعیت پیچیده‌ای می‌شوند که خروج از آن ممکن است آنها را تا مرزهای غریبی از عشق و نفرت بکشاند ... . این سریال، جمعه‌ها ساعت هشت صبح در فیلیمو منتشر می‌شود.

تقدیر از شنگولِ «صبح جمعه با شما»

شبکه رادیویی ایران در ادامه نکوداشت پیشکسوتان برنامه‌های رادیویی، این بار در مراسمی از طنزآفرینان «صبح جمعه با شما» تقدیر می‌کند.

به گزارش شبکه رادیویی ایران، ساجد قدوسیان تهیه کننده، سردبیر و کارگردان برنامه «صبح جمعه با شما» بیان کرد: در راستای تقدیر از پیشکسوتان رادیو ایران و با مساعدت مدیر محترم شبکه رادیو ایران، روز یکشنبه ۳۰ بهمن، از چهار نفر از پیشکسوتان برنامه «صبح جمعه با شما» تقدیر می‌شود.

وی ادامه داد: از «حسین‌هاشمی» به پاس سالها طنزنویسی، از «ایزد کاویانی» به پاس سال‌ها نوازندگی، از «داود منفرد» به پاس سالها صداپیشگی و خلق تیپ شنگول و از «فرانک رفیعی طاری» به پاس سال‌ها صداپیشگی و خلق تیپ ننه کتی، با حضور علی بخشی زاده، معاون صدا، محمد جعفر محمدزاده مدیر رادیو ایران و کارکنان رادیو ایران در استودیوی شماره یک تقدیر می‌شود.

قدوسیان در پایان افزود: بخش‌هایی از این مراسم در برنامه «صبح جمعه با شما» مورخ ۵ اسفند نیز پخش خواهد شد.

نکوداشت شادی آفرینان «صبح جمعه با شما» یکشنبه ۳۰ بهمن ساعت ۱۴ در استودیوی شماره یک ساختمان شهدای رادیو برگزار می‌شود.